ضرورت مدیریت مصرف آب حتی در صورت نرمال بودن بارش‌ها با عنایت به کاهش بارش انباشته‌شده وجود دارد

راهکارهایی برای مدیریت منابع آب در کشور

گروه اجتماعی

بارش سنگین برف در مناطقی از کشور برخی جاده‌ها را مسدود کرده، در برخی مناطق بارش برف به حدی بوده است که باعث اختلال در تردد خودروها شده و یا برخی پروازها به این دلیل ابطال یا با تأخیر انجام شده است، اما این بارش‌ها نویدبخش پایان خشکسالی نیست و بحران کمبود آب همچنان پابرجاست. حتی با وجود بارندگی‌های فرانرمال هم، سایه خشکسالی و کم‌آبی بر پهنه ایران هرروز سنگین‌تر می‌شود. چراکه دشت‌های کشور با فرونشست جدی روبه‌رو هستند و اگر همه بارندگی‌ها و نزولات جوی حتی بدون استفاده راهی سفره‌های آب زیرزمینی شوند، بازهم خشکسالی دست از سرمان برنمی‌دارد.

انتشار جدیدترین نقشه‌های پیش‌بینی فصلی بارش و دمای هوای کشور از سوی پژوهشکده اقلیم‌شناسی و تغییر اقلیم پژوهشگاه هواشناسی و علوم جو کشور در خبرگزاری دولت (ایرنا)، نشان می‌دهد که سال آبی جاری یکی از سال‌های کم بارش با نابهنجاری قابل توجه منفی ذخایر برفی در دوره آماری تبدیل می‌کند. کمبود ذخیره برفی از یک طرف و بی‌هنجاری مثبت دما از سوی دیگر، پتانسیل تغذیه چشمه‌ها و منابع آب کوهستانی البرز و زاگرس را کاهش داده و سبب افت زود‌هنگام آب‌های سطحی و دبی رودخانه‌ها می‌شود.» آن‌طور که مدیرکل اداره هواشناسی استان تهران می‌گوید: طی ۳ ماه آینده وضعیت دمایی تهران حدود ۱ تا ۲ درجه بیش از نرمال و متوسط بارش استان نیز در حد نرمال پیش‌بینی می‌شود و مدیریت منابع آبی اهمیت زیادی دارد. مازیارغلامی در گفت‌وگو با ایسنا، مطرح کرده است: «حتی در بهترین شرایط و خوشبینانه‌ترین حالت و در صورتی که بارش‌ها در حد نرمال باشد، کاهش بارش انباشته شده طی سال‌های اخیر جبران نمی‌شود و کماکان مدیریت منابع و مصارف آب در بخش‌های مختلف و به‌طور کلی صرفه‌جویی در مصرف آب با تأکید بیشتر توصیه می‌شود.» آن‌هم در شرایطی که نزدیک به ۹۰ درصد منابع آب‌های تجدیدپذیر صرف کشاورزی می‌شود و شبکه‌های آبیاری و انتقال آب مناسب نیستند و بیش از ۸۰ درصد آب مصرفی سالانه از منابع زیرزمینی برداشت می‌شود، و سطح آب اکثر دریاچه سدهای بزرگ و کوچک به شدت افت کرده است. در چنین شرایطی مهم‌ترین پرسشی که به ذهن خطور می‌کند، چگونگی مدیریت منابع آب است و اینکه چه اقداماتی باید از دستور کار خارج شود؟

مدیریت غیرسازگار و غیریادگیرنده در بخش آب

رضوان السادات شریف‌نیا، پژوهشگر آب در گفت‌وگو با «رسالت» به این پرسش، چنین پاسخ می‌دهد: «اولین مرحله شناخت مسئله و ابعاد آن است. موضوع اصلی خشک و نیمه‌خشک بودن شرایط اقلیمی در کشور نیست، قبلا هم چنین شرایطی حاکم بوده، مسئله ما کم شدن بارش و عدم توزیع متناسب آن هم نیست، چنین دوره‌هایی را در گذشته تجربه کرده‌ایم. این مورد کاملا طبیعی است. موضوع مهم در کشور ما مدیریت غیرسازگار و غیریادگیرنده در بخش آب است که پویایی لازم برای مواجهه با مشکلات را ندارد. برای مشکلات پیچیده و درهم تنیده نیازمند چابکی و توانایی سازگاری هستیم. یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات این است که چالش‌های نیازمند رویکرد تطبیقی را با چالش‌های فنی اشتباه بگیریم و به‌جای راهکارهای تطبیقی، راهکار فنی ارائه دهیم. به‌عنوان مثال شعار «جهاد آب‌رسانی» که توسط وزارت نیرو در چند سال اخیر مطرح شد نشان از ارائه راهکار فنی برای چالش تطبیقی بود. طرح‌های مختلف انتقال آب و سدسازی از این نوع راهکارهای فنی هستند که علیرغم آموده شدن و ناکارآمدی همچنان به‌عنوان راهکار استفاده می‌شوند. در طرح تعادل بخشی آب‌های زیرزمینی هم عمده هزینه‌ها برای امور فنی و نظارتی صرف شد اما مشارکت، گفت‌وگو و آموزش سهم چندانی در برنامه‌ها نداشت.»

شریف نیا معتقد است: سیاستگذاران با مسئله خشکسالی و کم‌آبی در ایران آشنا بوده‌اند و این موضوعی نیست که دفعتا رخ داده باشد. این پژوهشگر آب می‌گوید: «تقریبا از اوایل دهه ۸۰ که کاهش منابع آبی به طرز چشمگیری با خشک شدن رودخانه‌ها و تالاب‌ها نمود پیدا کرد، رشته مدیریت منابع آب در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه‌های کشور متولد شد. از آن زمان تاکنون نزدیک به دو دهه است که فارغ‌التحصیلان این گرایش در شرکت‌های مشاور و نهادهای دولتی و دانشگاه‌ها به کار گرفته شده‌اند. گروهی از متخصصان هم به کشورهای دیگر رفته، در بخش‌های مختلف مدیریت و حکمرانی آب آموزش دیدند و بازگشتند. مقالات متعددی نوشته شده و کتاب‌های بسیاری ترجمه و چاپ شده، در سال‌های اخیر هم تبادلات علمی و وبینارهای متعددی در انواع بسترهای اینترنتی برگزار شده اما آنچه در این سال‌ها به‌وضوح نمایان است، فاصله تصمیمات سیاستگذاران از پیشنهادهای متخصصین است. مدل‌های متعددی در مدیریت منابع آب برای شبیه‌سازی حالت‌های مختلف وجود دارد که به‌تناسب می‌توان راهکارهای مختلفی برای هر وضعیت در نظر گرفت. علاوه بر پژوهش‌هایی که در بخش‌های مختلف با هزینه‌های دولتی و به شکل سفارشی (کارفرما- مشاور) انجام شده، همواره کارشناسان و کنشگران دلسوزی بوده‌اند که نظرات و پیشنهادات خود را به صورت داوطلبانه به تصمیم‌سازان و سیاستگذاران انتقال داده‌اند. بهت و شوک و بی‌خبری برای سیاستگذار به هیچ‌عنوان قابل قبول نیست و در واقع چنین پاسخ‌هایی طفره رفتن از مسئولیت تصمیمات اشتباه یا ساده‌انگاری هشدارها است.»

شریف‌نیا، وضعیت به وجود آمده را به یک سوگ تشبیه می‌کند و به تعبیر او، سوگ صرفا دروفات نزدیکان اتفاق نمی‌افتد بلکه از دست دادن اشکال دیگری هم دارد: «اکثر دشت‌های کشور دچار فرونشست شده و اغلب از نقطه بی‌بازگشت عبور کرده‌اند، به این معنا که اگر آب دریا هم به دشت متصل شود، بازهم به وضعیت سابق بازنمی‌گردد. بنابراین وعده‌های انتقال آب و شیرین‌سازی آب دریا مانند این است که به بازماندگان بگوییم فرد متوفی به سفر رفته است یا چیزی که از دست داده‌ای دوباره بازخواهد گشت. این راهکار برای مدتی می‌تواند اثر تسکین دهنده داشته باشد اما می‌دانیم که بازگشت به شرایط گذشته امکان پذیر نیست. در مواجهه با سوگ پنهان کاری توصیه نمی‌شود. بلکه هرچه زودتر بازماندگان به مرحله پذیرش برسند روند بهبودی زودتر آغاز خواهد شد. پیشنهاد بهتری که برای برطرف شدن غم ناشی از سوگ ارائه می‌شود، انجام فعالیت‌ها به صورت گروهی و همیاری گرفتن است، به نحوی که خلأهای به وجود آمده تا حدودی رفع شود. بنابراین برای رسیدن به مرحله پذیرش نیازمند مشارکت و همیاری هستیم. اما متأسفانه مرحله پذیرش در سیاستگذاران اتفاق نیفتاده است.»

بدون تردید «سیاستگذاران در مدیریت منابع آب، نقش مهمی برای فراهم کردن بستر اعتمادسازی، مشارکت عمومی و جلب سرمایه‌های اجتماعی دارند.» این پژوهشگر با بیان این عبارت، می‌گوید: «نوآوری اجتماعی در گروه‌های کوچک مردمی شکل می‌گیرد. احساس تعلق خاطر و ارزش‌های مشترک می‌تواند مردم را برای هدف مشخصی گرد هم جمع کند و اگرچه نیازمند اولویت‌بندی و مدیریت ریاضتی برمبنای صرفه‌جویی در همه بخش‌ها هستیم. ولی این به معنای کاهش یکسان در همه بخش‌ها نیست. چنین تصمیماتی پیش‌تر در کشورهای آمریکا و آفریقای جنوبی اجرا و کارآمد بوده، منوط به آنکه پیش از اجرا به سرمایه‌های اجتماعی توجه شود. بدون توجه به بسترِ اجتماعی و اقتصادی کشور جیره‌بندی یا ریاضت آبی منجربه بروز تعارضات اجتماعی خواهد شد. برای اجرای چنین تصمیماتی نیازبه مدیریت مقتدرانه نیست. حتی استفاده از تکنولوژی‌های صرفه‌جویی هم در اولویت پایین‌تری قرار دارد. براین اساس حلقه مفقوده رویکرد مدیریت تطبیقی است.» موضوع دیگری که باید به آن اشاره کرد، این است که نقشه راه آب بدون اتصال به بخش‌های اقتصادی و اجتماعی کارآمد نخواهد بود. بخش عمده کارسازگاری با شرایط موجود است. شریف‌نیا دراین باره تأکید می‌کند: «برای سازگاری، به مشارکت بخش‌های مختلف و نوآوری اجتماعی نیاز است. در وضعیت التهاب، نمی‌توان سیاست‌های سازگاری و ریاضت آبی را پیاده کرد. همچنین در وضعیت ناپایدار فروش محصولات کشاورزی نمی‌توان از کشاورزان انتظار داشت الگوی کشت را مطابق با تصمیمات بالادستی رعایت کنند. البته سیاست خودکفایی در کشاورزی صرفا منوط به یک یا دو دولت نبوده و در چندین دولت با گرایش‌های مختلف سیاسی تکرار شده است. بدون شک تغییر الگوهای رفتاری دشوار و هزینه‌بر است. رویکردهای موجود تا این زمان فرار از توجه به جنبه‌های اجتماعی و تغییر رفتار در مصرف بوده، به طوری که وزارت نیرو به جای اینکه خود دارگیر گفت‌وگو با گروه‌های مختلف ذینفعان و مشارکت دادن آن‌ها در تصمیم‌گیری کند، انتخاب کرده تا صرفا با توجه به راهکارهای فنی به حل مسئله آب بپردازد.»

معمولا برای چاره‌اندیشی در حوزه مدیریت منابع آب، نقطه نظرات متعددی ارائه می‌شود و مطابق دیدگاه امید نظری، کارشناس حوزه آب «برای حل این مسئله، صرفا نباید به سراغ کنترل برداشت‌ها، مسدودسازی چاه‌ها و تنبیه کسانی رفت که بهره‌بردار غیرقانونی تلقی می‌شوند. به‌عنوان مثال اگر حسابی به دلیل تعدد چک‌های برگشتی، دارای بدهی و بیلان منفی است، نمی‌توان جلوی کشیدن چک جدید را گرفت و آن حساب را از حالت ورشکستگی خارج نمود، باید منابعی هم به آن حساب تزریق کرد. لذا طرح‌های تعادل بخشی و منابع سفره‌های آب زیرزمینی، کنترل برداشت‌ها، طرح‌های مدیریت سازه‌ای و سطحی آب به تنهایی کافی نیستند و نباید صرفا به اسم اینکه می‌خواهیم سفره‌ها را نجات دهیم، برداشت‌ها را کنترل کنیم، بلکه باید به تغذیه بیشتر این حوزه هم توجه کرد.» نکته دیگری که این کارشناس به آن اشاره و انتقاد دارد، ادبیاتی است که به‌ویژه از سوی رسانه‌ها با آب شده، مبنی براینکه آب را به جایی ببریم که ظاهرا ارزش افزوده بیشتری ایجاد می‌کند، به‌عبارت دیگر هر اولویتی را در مقایسه با صنعت، خدمات و کشاورزی، به صنعت می‌دهند که نتیجه چنین موضوعی افزایش شهرک‌های صنعتی بوده؛ فارغ از اینکه با چه بهره‌وری‌ای انجام می‌شود. توسعه بی‌ضابطه شهرک‌های صنعتی در کشور و اولویت دادن تخصیص آب به این نوع مصارف در مقایسه با سایر بخش‌های دیگر، در حالی صورت پذیرفته که اشتغال ایجاد شده که انجام می‌شود، بسیار کمتر است.

مسئولین، کاسب بحران آب نباشند

نظری می‌گوید: «فکر می‌کنید به ازای ۱۰۰ واحد سرمایه‌گذاری در حوزه صنعت چقدر شغل ایجاد می‌شود؟ آن هم اشتغالی که منوط به توسعه زیرساخت، تجهیزات و خرید دانش فنی بالاست. متأسفانه به بهانه این ادبیات که کشورهای دنیا صنعتی‌اند، به این سمت رفتیم و منابع آب را در این حوزه مصرف کردیم. همواره گفته می‌شود کشت هندوانه و صادرات آن خیانت به منابع آبی کشور است، اما دیده‌اید کسی بگوید تولید و صادرات گسترده فولاد در کشور هم نوعی آتش زدن به منابع آبی کشور است؟ از طرفی به منظور مدیریت منابع آب، نباید صرفا به مسئله کمبود آب در کشور نگاه کرد و از یاد برد که کشور بحران کمبود برق هم دارد. تابحث کمبود آب در کشور مطرح می‌شود، یکسری از مشاغل به‌عنوان متهم ردیف اول معرفی می‌شوند که عمدتا کشاورزی و برخی مشاغل شهری است. همه ما در هر گوشه از کشور خاموشی برق را تجربه کرده‌ایم و اتفاقا پایتخت‌نشین‌ها کمتر و شهرستان‌ها بیشتر تجربه کرده‌اند، با این وجود کسی گفته است که مشاغلی با مصرف برق بالا را باید مدیریت کرد؟ اتفاقا مشاغلی که بیشترین میزان برق را مصرف می‌کنند، همین صنایع بزرگ هستند. ما در تمام زمستان‌ها مشکل کمبود فشار گاز داریم و به‌یکسری از مناطق مرزی اصلا گاز نمی‌رسد. آیا صنایع گازبر را مدیریت کرده‌ایم؟ هیچ‌گاه در این زمینه اقدامی انجام نداده‌ایم. تنها براصلی‌ترین بحرانی که تأکید می‌شود، بحران آب است و بلافاصله مصادره به مطلوب می‌شود. هر زمان اوضاع بحرانی جلوه داده می‌شود، چندین پروژه بزرگ از جنس تونل انتقال آب و سدسازی و شیرین‌سازی آب دریا در قالب سفرهای استانی به تصویب می‌رسد. گویا دمیدن بر بحران‌ها، مقدمه‌ای برای تصویب چنین پروژه‌هایی است. آیا گمان می‌کنید بحران بعد از آن حل می‌شود و آبا به همان میزانی که گفته‌اند واقعی بوده است؟ یکی از نبایدها در حوزه مدیریت منابع آبی، این است که بحران نمایی بی‌جا نکنیم. بحران آب قابل کتمان نیست، ولی بحران اصلی این است که مدیران ما از بحران نمایی منفعت کسب نکنند. وقتی مسئولین یک کشور کاسب بحران باشند، این خودش بزرگ‌ترین بحران است. اگر قرار به مقایسه باشد، کشور ما بیش از همه با بحران برق مواجه است. سالانه چندین بار در کشور قطعی برق و چندبار قطعی آب تجربه می‌کنیم؟ آیا به همان میزانی که از بحران آب سخن گفته می‌شود، به بحران گاز و برق هم توجه می‌شود؟»

این کارشناس که اساسا با مدیریت متمرکز منابع طبیعی مخالف است، در ادامه تأکید می‌کند: «هرگونه برنامه‌ریزی جامع در حوزه مدیریت منابع آب، فارغ از الزامات هر منطقه نوشته می‌شود و حتما در آن مقتضیات اقلیمی و اجتماعی هر منطقه به معنای واقعی دیده نمی‌شود. ایران کشوری نیست که صد سال گذشته ایجاد شده باشد، قدمت آن به چندین هزار سال قبل برمی‌گردد و تمدنی دیرینه دارد و این تمدن نمی‌توانسته با برنامه‌ریزی‌هایی که ما امروز دنبال آن هستیم، تا کنون دوام آورده باشد. لذا از همان زمانی که مردم را محرم ندانستیم و گفتیم ما به‌عنوان قوه عاقله باید برای شما زیبرون برنامه بدهیم، به این آفت‌ها دچار شدیم. برنامه‌ها و سندهای بالادستی و میان دستی زیادی در این سال‌ها نوشته شده ولی ذره‌ای در بهبود یا جلوگیری از شتاب منفی اوضاع اثری نداشته است. همان جایی که برنامه‌ریزی متمرکز دولتی و تصدی‌گری اجرایی در اولویت قرار گرفت و مشارکت مردم را کنار گذاشتیم، آتش تقابل بین مردم و دولت؛ اوضاع را بد و بدتر کرد و برنامه‌ها نیز هیچ‌گاه به درستی اجرایی نشدند. هر برنامه‌ای هرچقدر هم خوب باید توسط مردم پذیرش داشته باشد. در این صورت به خوبی اجرایی شده و نتایج خوب‌تری هم به بار می‌آورد. در گذشته‌های دور، برنامه‌ها بر اساس مقتضیات فرهنگی اجتماعی و زیربنایی هر منطقه نوشته می‌شد و مردم هر منطقه برای خودشان تصمیم می‌گرفتند. اگر بهترین برنامه جامع را هم تولید کنید، هم‌زمان همه ناراضی خواهند بود، چون حس می‌کنند حقشان پایمال شده و برنامه ایراد داشته است. ولی اگر برنامه‌ریزی را به عهده مردم بگذارید و نظارت کنید که رانتی ایجاد نشود و جیبه‌های انحصارقدرتی شکل نگیرد، منابع به شکل عادلانه توزیع می‌شود. حتی اگر بهترین برنامه ممکن هم نباشد، ولی رضایت عمومی اتفاق می‌افتد و آن تقابل منفی بین مردم و حاکمیت به وجود نمی‌آید.»

ضرورت آینده‌نگری در حوزه مدیریت منابع آب

عباس محمدی، در قامت فعال محیط زیست، در گفت‌وگو با «رسالت» تأکید می‌کند براینکه «کشور ما در حوزه مدیریت منابع آب، برنامه‌های زیادی دارد و خیلی هم کارساز نبوده است. مکتوبات بسیاری در وزارت نیرو و سازمان آب و شرکت‌های آب منطقه‌ای موجود است و دانشگاهیان و افراد مستقل هم موارد زیادی را مکتوب کرده‌اند. ولی در حوزه آینده‌نگری و اقدامات درازمدت، تقریبا هیچ کاری نشده و هر موقع که بارندگی‌ها افزایش می‌یابد، مسئولان عمق بحران را فراموش می‌کنند. یا به محض تشدید کم‌آبی در تهران، صد کیلومتر و یا ۲۰۰ کیلومتر آن طرف قزوین هم سد می‌زنند تا به تهران آب برسانند. چند روز پیش در مطلبی خواندم که روی رودخانه نم رود می‌خواهند سد بزنند تا آب را به تهران آورده و طبق رویه مرسوم عرضه آب را بیشتر کنند. در حالی که این بی‌برنامگی، امروز گریبان ما را گرفته است. نهایت برنامه‌ای که آقایان دارند این است که آب اصفهان را با انتقال از سرچشمه‌های کارون و آب تهران را با انتقال از فیروزکوه و مازندران و سد لار تأمین کنند. حالا هم نوبت به مازندران غربی رسیده و گویا قرار است از رودخانه سه هزار در بالادست تنکابن سدی احداث و با تونل به تهران و قزوین منتقل کنند. این برنامه‌ها غلط است. بنابراین برنامه‌های منفی و مضرزیاد داریم. چیزی که نداریم آینده‌نگری است.»

این فعال محیط زیست در مورد سهم مردم در مدیریت مصرف آب می‌گوید: «سهم مردم به صورت تقریبی شاید ۱۰ درصد باشد. ۹۰ درصد مسئله، مربوط به دولت است. شبکه آبرسانی به زمین‌های کشاورزی و سدسازی و بهره‌برداری از چاه‌های عمیق، همه تحت نظر دولت است و مردم مصرف‌کننده نهایی هستند. در عرصه آب هیچ‌گونه اصلاحاتی صورت نگرفته، یعنی مرتبا در طول پنج دهه گذشته عرضه آب را بیشتر و بیشتر کرده‌اند. در صورتی که این عرضه از سمت دولت بوده، به این معناکه سد ساخته‌اند و به چاه عمیق مجوز داده‌اند و یا آب را زیک حوضه به حوضه دیگر منتقل کرده‌اند. این غلط است، باید تقاضا برای آب مدیریت می‌شد. اگرچه من نوعی به‌عنوان مصرف‌کننده از آب استفاده می‌کنم و یا در کشاورزی سهم آبه دارم و چاه عمیق می‌زنم ولی دولت است که مجوز داده، یا سدی احداث کرده و آب را از این نقطه به آن نقطه انتقال داده است. لذا ۹۰ درصد مسئولیت بر دوش دولت است و ۱۰ درصد بر دوش مردم عادی. در آن سمت است که باید اصلاحات و اقدامات مؤثر صورت بگیرد. شما همین حالا می‌بینید افرادی در یک دشت ممنوعه، مجوز چاه عمیق می‌گیرند و بعد گلخانه تأسیس کرده و کشاورزی را توسعه می‌دهند. کسی که می‌تواند کاری انجام دهد، مجموعه دستگاه حاکمیتی است که باید نظارت کرده و برخورد کند. ما در این قسمت ضعف داریم. بیافرض کنید در تهران، شبکه آبیاری در حدود ۳۰ درصد تلفات دارد، یعنی آبی که با قیمت گزافی، از سدهای کرج، لار و ماملو به شهر تهران می‌آید، در وسط راه ۳۰ درصد آن به علت فرسودگی شبکه هدر می‌رود. آیا مردم این شبکه مسئولیت مردم است؟ خیر- این کار مربوط به دولت است.»

این فعال محیط زیست با اشاره به اینکه اقتصاد ما تا حد زیادی مبتنی بر بهره‌کشی از طبیعت و منابع آب است، عنوان می‌کند: «در روستاهای ما به‌جز کشاورزی، راه دیگری برای کسب معیشت وجود ندارد و هرکسی که بتواند باغ یا مزرعه اضافه کرده و منابع آب را به شکل غیرمعقولی استفاده می‌کند، اما اگر وضعیت اقتصادی سیاسی مناسب باشد، امکانات بی‌شماری برای کسب درآمد داریم، ازجمله گردشگری و جذب توریسم خارجی و یا توریسم سلامت که کشور ما پتانسیل و ظرفیت آن را دارد. در مورد اصلاح سیستم آبیاری در بخش کشاورزی و تغییر آن از غرقابی به آبیاری تحت فشار باید هزینه زیادی صرف کرد. در حال حاضر چنین کاری برای یک هکتار زمین در حدود ۱۰۰ میلیون تومان هزینه دارد و هیچ کشاورز خرده پایی چنین پولی ندارد. بنابراین برای اصلاح روش‌های آبیاری، باید به کشاورزان وام‌های بلاعوض داد. از سوی دیگر در حال حاضر برای ایجاد یک هکتار گلخانه، باید دو تا سه میلیارد تومان صرف کرد، چنین مسئله‌ای اساسا برای یک کشاورز خرده‌پا امکان‌پذیر نیست، از آن طرف یک عده سرمایه‌دار به کشاورزی روی آورده‌اند و به موازات کشاورزی سنتی که در ایران در جریان است، گلخانه‌های متعددی در حال تأسیس است. ولی این‌ها به‌جای اینکه مصرف آب را پایین بیاورد، بیشتر کرده است، چون این گلخانه‌ها متعلق به افرادی است که سرمایه‌دار حوزه کشاورزی هستند و خودشان چاه می‌زنند، یا از طریق کانال‌ها و مخازن سدها، آب موردنیاز را تأمین می‌کنند، این‌ها در کنار سایر کشاورزانی که سهم آبه دارند، فشار مضاعفی برمنابع آب تحمیل کرده‌اند. برای اینکه خشکسالی رایشت سربگذاریم، باید بتوانیم در بخش کشاورزی، فشار بر سرزمین را کاهش داده و از توسعه کمیتی جلوگیری و بر کیفیت بیفزاییم. ما الان می‌بینیم که مرتب زمین‌های کشاورزی و گلخانه‌ها افزایش پیدا می‌کند. یعنی از منابع آب و خاک به شکل بی‌حد و حصر استفاده می‌کنیم، درصورتی که باید مصرف آب را به‌شدت پایین بیاوریم و محصولاتی بکاریم که آب کمتری می‌خواهد، یا روش‌های آبیاری به نحوی باشد که آب کمتری مصرف شود و محصولات گران قیمت تولید کنیم. نه اینکه چند هکتار زمین را با دمجان و فلفل دلمه‌ای بکاریم و بعد به عراق و افغانستان صادر کنیم، این یعنی ماصادرات آب داریم و یک جور خام فروشی است. اگر اراده حاکم باشد، این گونه اصلاحات، کار سختی نیست و ظرف یک تا دو سال قابلیت تحقق دارد.»

آگهی مزایده

آگهی مزایده اموال غیرمنقول

ششدانگ پلاک ثبتی ۳۴B فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزا شده از ۳ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۰۹ حوزه ثبتی آمل استان مازندران به مساحت ۲۱۱۷ مترمربع باشماره مستند مالکیت ۴۳۰۵۹ تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۶ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۰۴۱۷۴۳ سری سال که در صفحه ۲۹۵ دفتر املاک جلد ۹۴ ذیل شماره ۱۶۵۷۶ ثبت گردیده است.

مشخصات مالکیت:

مالکیت: شرکت نوانوش شمال سهام خاص باشناسه ملی ۱۰۷۶۰۲۳۹۱۲۶ به عنوان مالک عرصه و اعیان متن سهم ششدانگ به آدرس آمل خیابان شیخ فضل الله نوری بالاتر از بیمارستان امام علی جنب باسکول امام علی

حدود اربعه و مشخصات پلاک به شرح ذیل می باشد:

شمالا مرزیست به طول ۱۹/۶۵ متر درب و دیواریست به خیابان ۴۵ متری تعریضی

شرقا به طول ۱۳۲/۴۵ متر دیواریست به باقیمانده سه فرعی

جنوبا بطول ۱۳/۲۵ متر به باقیمانده سه فرعی

غربا بطول ۳۸/۰۵ متر و ۶۹/۷۰ متر و ۱۱/۰۰ متر دیواریست به باقیمانده سه فرعی

با مشاهدات و بررسی به عمل آمده حدود اربعه فوق الاشاره با حدود اربعه تعرفه شده در طبیعت تقریبا مطابقت دارد.

به شرح صورتمجلس مورخ ۱۴۰۲/۶/۱ کارشناسان رسمی دادگستری داخل عرصه مورد کارشناسی تحت پلاک ثبتی مرقوم یک دستگاه سوله صنعتی به همراه سایر اعیانی ها از جمله نگهبانی سوله مرکزی نیم طبقه اداری واقع در سوله سالن اصلی انبار سالن راهروهای ورودی سالن سردخانه اتاق ناهارخوری کارگران انبار تخم مرغ اتاق ژنراتور انبار طبقاتی ساختمان سرایداری اتاق نگهداری دیگ بخار ساختمان اداری ورودی مخزن هوایی فلزی ذخیره آب و محوطه سازی شمال و جنوب که جزییات اعیانی ها به شرح ذیل است.

۱-اتاق نگهبانی: ساختمان کف کرسی دار با سربندی شیروانی به مساحت تقریبا ۱۰۱ مترمربع نما سیمانکاری با درب و پنجره های آهنی است.

۲-اتاق اداری ورودی مجموعه: ساختمان کف کرسی دار با سربندی شیروانی به مساحت تقریبا ۵۰ مترمربع شامل فضای اداری سرویس بهداشتی است.

۳-سوله فلزی صنعتی: به مساحت تقریبا ۵۷۰ مترمربع با دهانه حدود ۲۰ متر و ارتفاع تاج تا کف تقریبا ۸۵۰ متر می باشد. پوشش سقف آزبست سیمانی نمای شمالی کامپوزیت دیوارها کاشی کاری کف مفروش به سنگ و موزائیک است.

۳-۱ طبقه همکف سوله صنعتی: شامل فضای سالن ورودی با درب آهنی ماشین رو انبار به مساحت حدود ۵۸ مترمربع با دو درب آهنی به سمت محوطه و سالن و سردخانه به مساحت حدود ۵۷ مترمربع با ارتفاع حدود ۴ متر می باشد. سردخانه با درب ریلی کف سقف و دیوارها عایق کاری شده است.

۳-۲- نیم طبقه سوله صنعتی: به مساحت حدود ۳۰۰ مترمربع شامل اتاقهای مدیریت اداری سرویس بهداشتی آبدارخانه و آزمایشگاه با پنجره فلزی مشرف به همکار سوله می باشم و توسط راه پله های فلزی به محوطه شمالی و سالن تولید دسترسی دارد کف سرامیک دیوار اندود گچکاری سقف کاذب کناف است.

۴-سالن اصلی: به مساحت حدود ۳۵۵ مترمربع با ارتفاع حدود ۴ متر با اسکلت و خرپا فلزی کف مفروش به موزائیک دیوارها کاشیکاری با پارتیشن بندی داخلی می باشد که در ضلع جنوب سوله صنعتی قرار دارد.

۵-اتاق ژنراتور: در طبقه همکف به مساحت حدود ۱۷۰ مترمربع که محل نگهداری دیزل ژنراتور می باشد و طبقه فوقانی آن انبار به مساحت حدود ۱۷۰ مترمربع بوده و کف بتنی و دیوارها تعمیر شده سیمانی است.

۶-انبار تخم مرغ: به مساحت حدود ۱۷ مترمربع با کف مفروش به موزائیک و درب آهنی است.

۷-ساختمان با کاربری انبار: ۳ طبقه روی همکف با اسکلت فلزی به مساحت حدود ۳۱۰ مترمربع با فضای بالابرو راه پله و پنجره ها فلزی کف سیمانی دیوار و سقف گچکاری و نما سیمانکاری است.

۸-ساختمان سرایداری: به صورت یک طبقه روی همکف می باشد طبقه همکف به مساحت حدود ۱۳۰ مترمربع و طبقه اول نیز به مساحت تقریبا ۱۳۰ مترمربع است. شامل فضای یک واحد سرایداری اتاق نهارخوری کارگران و سرویس بهداشتی می باشد. نمای ساختمان سیمانی سقف شیروانی و پوشش آزبست سیمانی درب و پنجره ها آلومینیومی دیوارها و سقف گچ کاری و کاشیکاری شده است.

۹-اتاق نگهداری دیگ بخار: به مساحت حدود ۷۵ مترمربع با سقف پوشش آزبست سیمانی است.

۱۰-محوطه سازی: بخش شمال و جنوبی ملک به مساحت حدود ۵۸۰ مترمربع با زیرسازی و روکش آسفالت که در بخش جنوبی محلهایی برای تصفیه آب تعبیه قرار دارد.

۱۱-چاه آب با مخزن ذخیره فلزی هوایی در بخش جنوبی ملک قرار دارد.

براساس فتوکپی اسناد و مدارک ابرازی توسط متعهد و ملک مورد کارشناسی دارای پایان کار ساختمانی شماره ۲۵۲۱ مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۷ به مساحت ۱۵۹۳/۴۰ مترمربع و با انشعابات آب برق و گاز است که در تصرف شرکت نوا نوش شمال می باشد. طبق اظهارات متعهد ملک مورد کارشناسی موصوف تحت پوشش بیمه ایی قرار دارد.

لذا ششدانگ پلاک ثبتی ۳۴B فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزا شده از ۳ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۰۹ حوزه ثبت ملک آمل استان مازندران به مساحت ۲۱۱۷ مترمربع به مبلغ ۶۲۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردید و با مالکیت شرکت نوانوش شمال سهام خاص به شناسه ملی ۱۰۷۶۰۲۳۹۱۲۶ به عنوان مالک عرصه و اعیان متن سهم: ششدانگ به عنوان مالک ششدانگ بابت پرونده اجرایی کلاسه ۹۲۰۰۱۹۲ و ۹۲۰۰۳۶۰ به طلبکاری بانک ملی از ساعت ۹ الی ۱۲ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۵ (بیست و پنجم بهمن ماه هزار و چهارصد و دو) در محل اجرای ثبت اسناد آمل از طریق مزایده به فروش می رسد.

مزایده از مبلغ فوق شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می شود . شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است. برنده مزایده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش را مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می گردد. لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب برق گاز اعم از انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول می گردد. همچنین شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت به شماره ۰۴۰۵۳۰۱۳۲۰۷۵۵۰۳۸۶ IR۴۸۰۱۰۰۰۰ و شناسه ۹۴۸۱۰۸۵۵۳۱۰۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ به حساب سپرده ثبت می باشد که می بایست حداقل ۴۸ ساعت قبل از برگزاری مزایده واریز تا تائید فیش واریزی توسط حسابداری اداره امکان پذیر گردد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱

واحد اجرای اسناد رسمی آمل- موسی زاده

==========

رونوشت آگهی حصروراثت

آقای جاسم کشاورز فرزند حسن به ش.م ۳۵۶۹۵۳۹۶۸۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۴۰۲/۹۱۴ مورخه ۱۴۰۲/۱۱/۱۰ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حسن کشاورز فرزند محمد به ش.م ۳۵۶۹۵۳۸۸۶۹ در تاریخ ۱۴۰۱/۶/۲ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱-عایشه احمدی فرزند جاسم به ش.م ۳۵۶۹۷۸۶۹۰۰ همسر متوفی

۲-جاسم کشاورز فرزند حسن به ش.م ۳۵۶۹۵۳۹۶۸۷ پسر متوفی

۳-محمد کشاورز فرزند حسن به ش.م ۳۵۶۹۸۶۲۸۵۲ پسر متوفی

۴-یوسف کشاورز فرزند حسن به ش.م ۳۵۶۹۵۳۹۶۶۰ پسر متوفی

۵-عبدالعزیز کشاورز فرزند حسن به ش.م ۳۵۶۹۸۸۰۵۸۳ پسر متوفی

۶-عادل کشاورز فرزند حسن به ش.م ۳۵۶۹۵۳۹۹۳۸ پسر متوفی

۷-علی کشاورز فرزند حسن به ش.م ۳۵۶۹۹۵۵۰۹۵ پسر متوفی

۸-فریده کشاورز فرزند حسن به ش.م ۳۵۶۰۰۸۹۷۳۵ دختر متوفی

۹-حوا کشاورز فرزند حسن به ش.م